

- عرض سلام و ادب دارم خدمت شما آقای امینی خواه. خیلی خوش آمدید.

- بسم الله الرحمن الرحيم. بنده هم عرض سلام دارم خدمت شما و همه شنوندگان عزیزمان.

- سلامت باشید ان شاء الله. شاید یک وقت‌هایی بگویند که امروز جوانان می‌ترسند مسئولیت چیزی را بر عهده بگیرند؛ مثلاً در حالت کلی شاید این مسئولیت‌پذیری یک ترس و واهمه‌ای همراهش باشد؛ ولی من می‌خواهم بگویم اتفاقاً شاید جوانان امروز ما یک مقداری در این مسئولیت‌پذیری جسورتر هستند. در خدمت شما هستیم.

- سلامت باشید. بله. نکته درستی را اشاره فرمودید و من می‌خواهم عرض کنم که اگر ما فقط یک شاهد داشته باشیم، آن هم مسئله ازدواج باشد. می‌بینیم که جوانان ما باین همه موانع و این همه آسیب، باز جرئت آن را دارند و دست هم نمی‌کشند و حتی این مقداری هم ریسک می‌کنند و فرزند می‌آوردند. دوتا، سه تا، چهارتا. این دیگر چه شاهی ما بهتر از این می‌خواهیم که این جوانان اهل ریسک هستند و از این موانع و خطرات هم نمی‌ترسند.

- درست است.

- حالا این بحث مزاح کار بود؛ ولی واقعیتش این است که جوانان ما، از جهات مختلف، آن قدری که بنده می‌بینم و در ارتباط با آن‌ها هستم، واقعاً از حیث مسئولیت‌پذیری، افرادی که مؤمن هستند، دغدغه‌مند هستند، آن‌هایی که به استعدادهایشان توجه دارند و پشت پا نمی‌زنند، این‌ها واقعاً خودشان را برای کارهای بزرگ آماده می‌کنند و هرچه کار بزرگ‌تر است، این افراد اتفاقاً با دلاوری و شجاعت مضاعفی وارد کار می‌شوند و واهمه‌ای از کار ندارند. نه الآن واقعاً این‌طور نیست که بگوییم یک جوان نخبه، با استعداد، باهوش مؤمن، این فرد؛ به‌عنوان مثال از کار فرار کند و برعکس است؛ یعنی بیشتر یک عده‌ای که خودشان را از جانب این جوانان پارانگیزه در خطر می‌بینند، این افراد سعی می‌کنند که برای این جوانان مانع بتراشند تا اینکه تخت، تاج، تشکیلات و میز آن‌ها بر باد نرود و اتفاقاً این‌ها سعی می‌کنند در ناامید کردن و بی‌انگیزه کردن جوانان این‌ها بیشتر سعی می‌کنند که دخالت کنند.

- جناب آقای امینی خواه عزیز اگر امروز در چهل و یکمین سالگرد انقلاب اسلامی ایران ما می‌گوییم که کشورمان به جوانان مسئولیت‌پذیر نیاز دارد، این مسئولیت‌پذیری را چه ایده‌هایی را برای آن در نظر می‌گیریم و منظورمان دقیقاً چه چیزی است؟



- ببینید اصل مسئله این است. حالا اجازه دهید که وارد جان کلام بشوم و شاید از این زاویه به بحث خیلی پرداخته نشده است.

- بسیار هم عالی

- و ما هم به عنوان رسانه وظیفه‌مان این است که خیلی باید در این مسئله بدمیم. گاهی من می‌بینم؛ مثلاً در فضای جامعه، در فضاهای رسانه‌ای‌ها این قدری ما مردم را از مسئولین جدا می‌کنیم که انگار کم‌کم باورمان می‌شود که مردم یک طیف هستند و مسئولین یک طیف دیگر.

- مگر غیر از این بوده است؟

- مردم از جهت دیدگاه و انگیزه و این موارد با مسئولین تفاوت‌هایی را دارند؛ ولی مسئولین برآمده از دل مردم هستند و این را نباید بین مردم و مسئولین تفاوتی قائل شویم. حقیقتاً مسئولین - مردم، تک‌تک مسئولین را خودشان انتخاب کرده‌اند و خودشان سرکار آورده‌اند و خودشان قدرت بخشیده‌اند. اگر اراده مردم نبود، بسیاری از این مسئولین ما حتی در سطوح پایین‌تر هم شاید صلاحیت نداشتند که بخواهد فعالیت کنند و فرصتی هم پیدا نمی‌کردند تا بخواهند کاری را انجام دهند؛ ولی مردم این افراد را سرکار آورده‌اند. بگذارید من چند تعبیر از امام خمینی (ره) بخوانم که خیلی این‌ها جالب هستند و خیلی باید این موارد گفته شود.

امام (ره) می‌فرمایند که: «فرق ما بین جمهوری اسلامی و شاهنشاهی این است که جمهوری اسلامی از مردم است و جمهوری اسلامی رهین همین مردم عادی کشور است و شاهنشاهی می‌گفت نه من این طور نیست که به مردم کار داشته باشم، ما خودمان باید کارها را مردم باید تحت سلطه ما باشند و با مردم آن طور می‌کردند.» این یک جمله امام (ره) که خیلی جالب است.

یک جمله دیگر می‌فرمایند که: «امروز کشور شما دست خودتان است و نه یک کسی بالای سر شما است که بخواهد به شما حکومت کند و نه مستشاری از کشورهای دیگر دارید و نه کارشناسان. همه چیز دست خود شما است و مسئول خود شما هستید. در رژیم سابق ملت می‌گفت خب من چه بکنم؟ به دست من چیزی نیست اگر سؤال می‌شد. امروز که همه چیز در دست خود شماها است و دیگر این عذر پذیرفته نیست که من چه بکنم.»

خیلی این عبارت از حضرت امام (ره) جای دقت و تأمل دارد و ما نباید در این بدمیم که مردم احساس بکنند واقعاً هر چه بخواهند و هر چه تلاش بکنند، فایده‌ای ندارد و آخر هم آن چیزی که مسئولین بخواهند، انجام می‌شود. رهبر انقلاب فرمودند که این موشک‌هایی که عین الاسد خورد، سوختش این فریادهای انتقامی بود که مردم کف خیابان سر دادند، این درخواست‌ها، این مطالبات، اگر نباشد، هیچ اقدامی در سطح بالا انجام نمی‌شود. آمریکا هم از آن چهار موشکی که می‌خورد در عین الاسد، نمی‌ترسد. آن چهار موشک را می‌توانست با شصت موشک جواب



بدهد. او از همین فریادی که سوخت این موشک است، می‌ترسد و می‌داند که اگر با ده تایی دیگر جواب بدهد، این فریاد محکم‌تر می‌شود.

- پایان‌پذیر نیست دیگر.

- آفرین و این نشان می‌دهد که مردم ما چقدر در تصمیمات کلان نقش دارند. اولین باری بوده است در تمام این سال‌های بعد از جنگ جهانی که یک تعرض و حمله جدی، مقتدرانه، محکم و شفاف صورت گرفته است در یکی از پایگاه‌های آمریکا در این منطقه و اصلاً نتوانسته است که نُطق بکشد. خوب این از کجا بوده است؟ از اینجا بوده است که مردم پشت این ماجرا هستند، جوانان پشت این ماجرا هستند و نگاه می‌کند در مصلا تهران که بعد از اینکه حاج قاسم سلیمانی به شهادت می‌رسد، همه جوانان، چند هزار نفر با همدیگر برای آمریکا، رجز انگلیسی می‌خوانند. خوب این‌ها دیده می‌شوند. ما چطور در این قسمت‌ها نقش داریم، در تمام عرصه‌ها همین است. در اقتصاد هم همین است. در مشکلات معیشتی هم همین است. مردم نقش دارند. جوانان ما نقش دارند. خیلی وقت‌ها این‌ها گفته نمی‌شود، خوب این‌ها دلسردی می‌آورد، ناامیدی می‌آورد. من اگر بدانم که هر چه میزان هم تلاش کنم، آخر تقدیراتم به دست چهار مسئولی مثلاً می‌خواهد اداره بشود، برنامه‌ریزی بشود، که دغدغه‌ای ندارند و اهتمامی ندارند، تلاشی ندارند، قطعاً من ناامید و دلسرد می‌شوم؛ ولی اگر بدانم من می‌توانم گفتمان ساز باشم، جریان ساز باشم، مطالبه بکنم به صلابه بکشم مسئولین را، این اگر در مردم دمیده بشود، قطعاً اوضاع عوض می‌شود.

- درست است. روحیه مطالبه‌گری را ان‌شاءالله همگی ما داشته باشیم و به‌خصوص در جوانان این وجود دارد که ما می‌بینیم. خیلی ممنونم از شما، حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی امینی خواه؛ لطف فرمودید.

- بزرگوارید. سلامت باشید.

- التماس دعا. یا علی. خدانگهدار.

- سلامت باشید. خداحافظ.